

شکار در تهران قدیم

۷ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۱۶:۵۷

گستره تهران به دلیل قرار گرفتنش در کوه های شمیران در رشته کوه البرز، همیشه جانوران گوناگونی را در خود جای داده است تا آنجا که سابقه شکار حیوانات به وسیله انسان در این شهر برابر است با پیشینه سکونت انسان در این محل.

اولین شاهی که به تهران به عنوان یک مرکز شکار توجه کرد، شاه تهماسب صفوی بود که تهران را به عنوان مناسب ترین محل برای شکار خود انتخاب و در نهایت فرمان ساخت حصار برای این شهر را صادر کرد که منطقه سرخه حصار از شکارگاه های آن دوران است.

شکارگاه های سلطنتی در دارالخلافه

با استقرار سلطنت قاجاریه، تمامی اطراف تهران آن روزگار که حصار صفوی نام داشت به حصار ناصری تبدیل شد و شکارگاه های سلطنتی نام گرفت و به قرق ماموران دربار درآمد؛ تا قبل از آن شکار حیوانات برای همه مردم در این مناطق آزاد بود.

دوشان تپه، فرح آباد، مسگرآباد، سلطنت آباد، دولاب، سرخه حصار، ولنجک، آبادی های شمیران، جاجرود، شهرستانک، ورامین، کن و سولقان همگی از شکارگاه های سلطنتی به شمار می رفتند که نام آنها بارها در اسناد قاجاری به میان آمده است. در واقع می توان گفت تمام بیابان ها و کوهستان های اطراف پایتخت در قرق سلطنت بود مگر مسیر و حوالی امامزاده ها و سایر اماکن متبرک به دلیل رفت و آمد بسیار مردم و حرمت امامزاده سبب شده بود که در آن مناطق شکار وجود نداشته باشد.

قدمت شکارگاه های تهران با شروع سلطنت و پادشاهی آغامحمدخان قاجار آغاز شد. با این حال هیچ سندی از رفتن وی به شکار وجود ندارد، چراکه با توجه به جنگ ها و خونریزی هایی که به راه انداخته بود، اصلاً فرصت رفتن به شکارگاه هم نداشت و با روی کار آمدن فتحعلی شاه، وی گاهی برای رفع خستگی هوس شکار می کرد، به اطراف تهران برای شکار سرک می کشید.

شیوه شکار در ایران از گذشته های دور وجه غالبش تیراندازی سواره و یا پیاده و مستقر بوده است که این خود مایه تعجب و تحسین اروپاییان بوده است و آنان از مهارت ایرانیان در تیراندازی و کشتن شکار هنگام سواری یاد کرده اند

جاءرود از شكارگاه هاى بود كه به دستور وى ساخته شد و عمارت كاروانسراى نيز در آنجا قرار گرفت تا هنگام شكار در آن حوالى توقفگاهى براى استراحت داشته باشند. در مورد محمدشاه به دليل كسالت و دوران كوتاه پادشاهى، با اينكه شكار از سرگر مى هاى به شمار مى رفت، چيز زيادى در تاريخ ثبت نشده است، اما بيشترين اسناد قاجاريه كه در آن از شكار پادشاهان قجری سخن به ميان آمده، ناصرالدین شاه است؛ پادشاهی كه طولانی ترین دوران سلطنت را در تهران داشت.

وى به شكار اهميت بسيار فراوانى مى داد و تقريباً تمامى اطراف تهران را تبديل به شكارگاه هاى سلطنتى كرده بود و حتى گاهى در برخى از كتب آن دوره به صورت اغراق آميز آمده بود كه ناصرالدین شاه در تيرانداى اولين شخص دنياست كه از هزار و ۵۰۰ قد مى بارها شكار كرده است. در اواخر قاجاريه و با شروع نهضت مشروطيت و درگيرى محمدعلى شاه با مبارزات آزادى خواهان و جنگ جهانى اول باعث شد شكار سلطنتى آن جلوه و شكوه سابق خود را نداشته باشد؛ با اين حال در ميان برخى از رجال در آن دوران هم طرفدار داشت و حتى خود احمدشاه نيز علاقه مند به شكار بود كه به دليل وضعيت نابسامان آن زمان، در اسناد اواخر سلطنت قاجاريه از شكارهاى سلطنتى نام برده نشده است. بعد از پيروى مشروطيت، دولت بر شكار نظارت داشت و بعد از كودتاى ۱۲۹۹ و با روى كار آمدن كابينه سيدضياءالدین طباطباى و طبق اعلاميه رسمى دولت، داشتن اسلحه شكارى منوط به اخذ جواز از نظميه شد.



حيواناتى كه در گذشته اطراف تهران زيستگاهشان بود

حیواناتی که در خارج حصار تهران یعنی پهنه تهران بزرگ کنونی یافت می شد و شکارچیان به صید آنها دست می زدند، عبارت بودند از:

بز کوهی، قوچ وحشی، آهو، خرگوش، گورخر، کبک، تیهو، پلوه، مرغ ماهیخوار، یوزپلنگ، خرس دماوندی، هو بره، باقرقره، چاخرق، کل، بز، تکه، دراج، روباه و دله، قزقونبلدرچین، سمور، کرکس و چارکر

شیوه شکار در ایران

شیوه شکار در ایران از گذشته های دور وجه غالبش تیراندازی سواره و یا پیاده و مستقر بوده است که این خود مایه تعجب و تحسین اروپاییان بوده است و آنان از مهارت ایرانیان در تیراندازی و کشتن شکار هنگام سواری یاد کرده اند، ولی طریق دیگری هم از ایام دور مورد استفاده بوده و آن هم صید آهو با سگ تازی و یا پرندگان به وسیله قوش و دیگر پرندگان شکاری نظیر شنقار بوده است.

در تهران قدیم افرادی بودند که حرفه آنها تربیت پرندگان شکاری بود که به ایشان قوش ساز می گفتند، از آن جمله اند تیمور میرزاپسر، فرمانفرما و دو پسرش عالم شاه میرزا و مسرورالسلطنه که به همین سبب بسیار مورد توجه ناصرالدین شاه قرار داشتند.

در تهران قدیم افرادی بودند که حرفه آنها تربیت پرندگان شکاری بود که به ایشان قوش ساز می گفتند

تیمورمیرزا را گویند شیری از بچگی آورده و نزد خود بزرگ کرده بود، طوری که شیر هرگز از او جدا نمی گشت و کاملاً به وی عادت کرده بود، حتی وقتی وی به حمام هم که می رفت، شیر باید با او به حمام برود و حیوان گرمای طاقت فرسارا تحمل می کرد تا با تیمور میرزا از حمام خارج شود. جالب آنکه در حمام دلاک ها جرات کیسه کشیدن او را از ترس شیر نداشتند، بنابراین تیمورمیرزا باید خدمه خود را برای این عمل همراه می آورد.



آیین و رسوم شکار

گو اینکه افراد عام هم برای شکار به آیین و رسومی پایبند بودند، و اساساً رفتن به کوه، دشت، کویر و جنگل بی بلد و بی تمهیداتی حرفه‌ای انجام نمی‌پذیرفت، اما ماجرای شکار رفتن پادشاهان آیین و رسوم خاصی داشت، که شرح مفصل در این مجال نمی‌گنجد.

اولثاریوس که در اواسط قرن یازدهم هجری در دربار صفویه بوده، از این مراسم شرحی دارد:

«...بامداد، تعداد زیادی اسب برای سواری و شتر برای حمل بار آورده شد. سفرای دعوت شده یک گروه سی نفره تشکیل دادند... در طول راه شاه چند بار اسب و یک بار لباس خود را عوض کرد این کار را هر روز تا پایان مراسم شکار تکرار می‌کرد.

شکار آن روز توسط بازهای شکاری انجام می‌گرفت، بازها به دنبال درنا، مرغابی، غاز وحشی و کلاغ و پرندگان که شکاربانان پرواز می‌دادند...

نوازندگان درباری انتظار شاه را می‌کشیدند.

روز بعد تعداد زیادی باز شکاری، سه یوزپلنگ تربیت شده و چند سگ در این شکار شرکت داشتند.

شاه از به کار بردن تیر و کمان و شمشیر به طور ماهرانه‌ای آگاهی دارد...»

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۵۲۷۷/قدیم-تهران-شکار>